

عالیجناب،

با توجه به کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان، مایلم بیان نمایم، که کنوانسیون مذکور که این جانب اهمیت زیادی برای آن قائلم، در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ (۳ سپتامبر ۱۹۸۱) لازم الاجراء گردید. کنوانسیون به تمامی کشورها توصیه می نماید تا شرایط لازم برای بهره مندی زنان از حقوق کامل و برابر با مردان را تضمین نمایند و بدین ترتیب در برگیرنده یکی از اصول منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر می باشد.

همان گونه که مطلعید، سند چارچوبی برای اقدام مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زن هدف تصویب جهانی کنوانسیون تا سال ۲۰۰۰ را پایه گذاری نمود. این جانب بر این باورم که بهترین شیوه ورود دولت ها به هزاره جدید ارتقاء تساوی واقعی برای زنان از طریق پذیرش این کنوانسیون برجسته و اجرای آن با تصویب قوانین لازم ملی می باشد. تاکنون بیش از ۱۶۰ کشور کنوانسیون مذکور را تصویب نموده و تصویب جهانی آن تا سال ۲۰۰۰ هدف قابل حصولی است. از این رو، این جانب صمیمانه از شما خواستارم تا تصویب سریع کنوانسیون توسط دولت خود را تضمین نمایید. مشتاقانه امیدوارم که جناب عالی ما را در دست یابی به این مهم یاری نمایید.

عالیجناب، احترامات فائقه مرا بپذیرید.

کوفی عنان

عالیجناب

آقای سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

تهران

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۱۰۱۶

تاریخ ۱۳۷۸/۷/۵

حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام

عطف به نامه شماره ۳۲۲۶۱ مورخ ۷۸/۶/۲۴ در خصوص پیام دبیرکل سازمان ملل متحد برای الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که دستور بررسی آن را به این جانب و آقای دکتر خرازی صادر فرمودید، جهت استحضار حضرت عالی به اطلاع می‌رساند پیام آقای دبیر کل سازمان ملل در راستای سیاست اعلام شده سازمان ملل متحد در جهت تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان از سوی همه کشورهای جهان تا مقطع تاریخی سال ۲۰۰۰ می‌باشد در بند ۳۹ بخش دوم اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ آمده است که سازمان ملل باید دولت‌ها را به پذیرش کنوانسیون تشویق کند به گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۰ تمامی دولت‌ها، کنوانسیون را تصویب نمایند. در بند ۲۳۰ (شق ب) سند کنفرانس جهانی زن در پکن (Platform for Action) سال ۱۹۹۵ نیز جزء وظایف دولت‌ها، تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و تضمین اجرای مقررات آن ذکر شده، به گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۰ تصویب جهانی این کنوانسیون تحقق یابد.

در بعضی از شقوق همین بند تأکید شده است که دولت‌ها باید سعی کنند دامنه حق شرط و تحفظ نسبت به کنوانسیون را بسیار محدود کنند و حتی الامکان از آن پرهیز نمایند و آن‌هایی که با اعلام حق شرط (Reservation) آن را تصویب کردند، حق شرط خود را پس بگیرند. تبلیغات برای الحاق به این کنوانسیون آن قدر گسترده بود که نزدیک بود هیأت ایرانی شرکت کننده در کنفرانس پکن نیز رسماً تلاش دولت را برای الحاق به آن در جلسه عمومی کنفرانس اعلام نماید ولی در آخرین لحظات احتیاط را پیشه کردند و از اعلام آن خودداری نمودند.

همان‌طور که مستحضرید به لحاظ وجود برخی مقررات قانونی در زمینه مسایل جزایی، مدنی و خانواده تصویب این کنوانسیون بدون قید و شرط حداقل در حال حاضر

عملی نیست و طبعاً نه مجلس تصویب می‌کند و نه شورای نگهبان تأیید، الحاق با اعلام قیود و شرایط هم در وضع فعلی یعنی بدون حل برخی مسایل فقهی در این زمینه باید همراه با قیود و شرایط زیاد باشد که نه مقامات سازمان ملل را راضی می‌کند و نه داخلی‌ها را. ولی در هر صورت زمانی جلسات متعددی برای بحث در این خصوص تشکیل شد و ظاهراً لایحه‌ای هم همراه با برخی قیود و شرایط از سوی وزارت امور خارجه تهیه و به هیأت دولت داده شد ولی از مرحله تصویب هیأت دولت نیز نگذشت و سرانجام شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت ریاست خود حضرت‌عالی در چهارصد و سیزدهمین جلسه خویش مورخ ۷۶/۱۱/۱۴ به‌عنوان یک مصوبه با الحاق ایران به این کنوانسیون مخالفت کرد و با امضای حضرت‌عالی این تصمیم ابلاغ شد. این‌جانب هنوز به خوبی از ماهیت این مصوبه شورای عالی و امکان مخالفت با آن از سوی هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی مطلع نیستم و در هر حال خواستم نظر حضرت‌عالی را به سابقه امر جلب کنم که با توجه به آن اگر صلاح می‌دانید مجدداً بررسی شود؛ وزارت امور خارجه و احیاناً خود شورای عالی انقلاب فرهنگی مجدد موضوع را مورد بررسی قرار دهند البته این‌جانب با فرموده حضرت‌عالی همکاری لازم را خواهم داشت به پیوست تحلیل مختصری را که چند سال پیش طی مقاله‌ای در خصوص موضوع جمهوری اسلامی ایران نسبت به این کنوانسیون و الحاق به آن داشتم حضورتان ارسال می‌شود. در اصل موضوع تاکنون تغییری حاصل نشده جز این‌که برخی از کشورهای اسلامی که آن زمان به کنوانسیون نپیوسته بودند مثل پاکستان و مالزی، به آن ملحق شدند ولی هنوز هم که در آستانه ورود به سال ۲۰۰۰ هستیم طبق آماري که آقای دبیر کل اعلام داشتند حداقل ۲۵ کشور دیگر عضو سازمان ملل که از جمله آن‌ها عربستان و آمریکا است آن را تصویب نکرده‌اند.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

لازم به یادآوری است پس از تاریخ ارسال این نامه، تعداد دیگری از کشورها از جمله

عربستان سعودی به کنوانسیون ملحق شدند.

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۶۱۵۵

تاریخ ۱۳۷۸/۷/۱۰

جناب آقای دکتر خرازی

وزیر محترم امور خارجه

با سلام

پیرو نامه‌ی شماره‌ی ۳۲۳۶۱ مورخ ۷۸/۶/۲۴ در خصوص الحاق ج.ا.ایران به کنوانسیون امحاء همه اشکال تبعیض نسبت به زنان، گزارش شماره‌ی ۷۸-۱۰۱۶/م مورخ ۷۸/۷/۵ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمیمه‌ی آن (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«وزیر محترم امور خارجه

به نظرم الحاق، محذورات اساسی دارد بررسی بیشتر شود».

سید محمدعلی ابطحی
از طرف محمدرضا تابش

بیانیه مربوط به مبارزه با نژادپرستی

بسمه تعالی

شماره ۳۴۷۰۴

تاریخ ۱۳۷۹/۸/۱۹

جناب آقای دکتر فریدزاده

مشاور محترم فرهنگی رییس جمهور

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای درایتی

مشاور محترم رییس جمهور در امور روحانیون

سرکار خانم رهنورد

مشاور محترم سیاسی رییس جمهور

جناب آقای عباد

مشاور محترم اجتماعی رییس جمهور

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه‌ی شماره‌ی ۶۴۰/۶۴۲/۳۳۰ مورخ ۷۹/۸/۸ وزارت امور خارجه و سوابق آن در

خصوص بیانیه‌ی "A Vision for 21st Century" (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست

محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«مشاوران من هم نظر بدهند از جمله جناب

آقای دکتر فریدزاده و جناب آقای درایتی».

بسمه تعالی

شماره ۶۴۰/۶۴۳/۳۳۰

تاریخ ۱۳۷۹/۸/۸

جناب آقای ابطحی

رییس محترم دفتر رییس جمهور

با سلام

پیرو نامه‌های شماره ۶۳۲-۴۴-۱/۷۰۲ مورخ ۷۹/۵/۲۲ و شماره ۱/۸۱۲ - ۶۳۲/۴۴ مورخ ۷۹/۶/۹، همان‌گونه که در نامه‌های فوق به استحضار رسید خانم مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در آستانه برگزاری کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۱ میلادی و به‌هنگام آغاز اجلاس هزاره سران در نیویورک به‌منظور بسیج افکار عمومی و ارتقاء آگاهی نسبت به موضوع نژادپرستی و اهمیت مبارزه با آن، ضمن ارائه بیانیه‌ای تحت عنوان: (A Vision for 21st Century) کشورهای مختلف را به امضای متن بیانیه یاد شده تشویق نمود براساس اعلام دفتر کمیسر عالی حقوق بشر فضای عمومی واکنش دولت‌ها در قبال اعلامیه مذکور مثبت بوده و تاکنون تعداد زیادی از کشورها بیانیه مذکور را به امضاء رسانیده‌اند. بنا به دستور ریاست محترم جمهور این بیانیه در وزارت خارجه مورد بررسی همه جانبه قرار گرفت و با عنایت به وجود مفاهیم عام و انسانی و عدم الزام حقوقی آن و نیز با توجه به میزبانی کشورمان جهت اجلاس منطقه‌ای کنفرانس جهانی نژادپرستی در منطقه آسیا، موافقت با امضاء آن بلامانع تشخیص داده شد، لذا خواهشمند است با توجه به مراتب فوق هرگونه رهنمودی در خصوص اعلام موافقت با توشیح بیانیه فوق از سوی ریاست محترم جمهور را امر به ابلاغ فرمایند.

محمد جواد ظریف

چشم اندازی به قرن بیست و یکم

در آستانه شروع قرن جدید، ما معتقدیم هر جامعه‌ای نیاز دارد از خود سؤالی اساسی نماید. آیا این جامعه به قدر کافی فراگیر و بردبار است؟ آیا هنجارهای رفتاری آن مبتنی بر اصول مصرحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد.

نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و تمام اشکال نابردباری‌های مربوطه از بین نرفته‌اند. ما معتقدیم که مظاهر نژادپرستی در قرن جدید وجود دارند و ریشه‌های آن‌ها از ترس نشأت می‌گیرد. ترس از این‌که تفاوت چیست، ترس از دیگران، ترس از از دست دادن امنیت شخصی. و در حالی که ما تصدیق می‌کنیم که ترس انسان ماهیتاً غیرقابل ریشه‌کنی است. در عین حال بر این باوریم که عواقب آن قابل امحاء است.

ما همه یک خانواده انسانی را تشکیل می‌دهیم. این حقیقت هم اکنون به دلیل شکل اولیه همسان سلول‌های جنسی انسان کاملاً بدیهی و آشکار شده است. دست‌یابی به این حقیقت موفقیتی فوق‌العاده است که نه تنها انسانیت مشترک ما را مورد تأیید مجدد قرار می‌دهد بلکه تحولاتی را در عرصه‌های فکری و عملی و هم‌چنین دیدگاه‌هایی را که بشریت می‌تواند گرامی بدارد، مطرح می‌سازد. این ایده ما را تشویق به اجراء کامل معنویت انسانی و بیدارسازی مجدد تمامی ظرفیت‌های اخلاقی و خلاقیتی که با مشارکت مساوی مردان و زنان تقویت شده است می‌نماید. و می‌تواند قرن بیست و یکم را تبدیل به عصر صلح نماید.

باید با تلاش جدی این فرصت بزرگ را به خود یادآور شویم. به جای آن‌که اجازه دهیم تنوع نژاد و تنوع فرهنگی تبدیل به یک عامل محدودکننده در روابط انسانی و توسعه شود. ما باید بر تفاهم، تأثیر تنوع بر اغناء متقابل، و شناسایی این‌که تبادل میان سنن و معنویت انسانی بهترین دورنما برای حفظ معنویت انسان‌ها می‌باشد متمرکز شویم. و اغلب آن تهدید به شکل تحقیر و درگیری نژادی، بیگانه فرض نمودن دیگران، تبعیض و نابردباری بیان شده است.

تمهید اجلاس کنفرانس جهانی مبارزه علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و نابردباری که قرار است در ماه سپتامبر ۲۰۰۱ در آفریقای جنوبی برگزار شود فرصتی را فراهم خواهد ساخت که بررسی نمایم آمال مصرحه در «سه دهه برنامه سازمان ملل علیه نژاد پرستی» تا چه میزانی تحقق یافته است. وحشت از نژاد پرستی (از بردگی تا هلاکاست تا آپارتاید تا پاکسازی نژادی) عمیقاً به قربانیان صدمه زده و مرتکبین را پست ساخته است. این وحشت هنوز به اشکال مختلف در میان ما وجود دارد. هم اکنون فرصت مواجهه با مظاهر نژادپرستی و اتخاذ اقدامات جامع علیه مظاهر مذکور فراهم شده است.

کنفرانس جهانی باید بیانیه و برنامه اقدام، استانداردها، ساختارها، جبرانها و ماهیتاً فرهنگی را فراهم سازد که شناسایی کامل شرافت و تساوی انسانی برای همه در آن ملحوظ شده باشد و احترام کامل برای حقوق بشر را تضمین نماید.

در خلال سال آتی ما خود را متعهد به طلب دگرگونی فکر و قلب می دانیم. حیات، چیزی است که ما برای هر مرد، زن و کودک می خواهیم که در آن اعمال حقوق شخصی توسط همبستگی پویا و عضویت ما در خانواده انسانی مورد تأیید قرار گرفته است.

امضاکنندگان:

مری رابینسون، کوفی عنان، نلسون ماندلا، هوگ

بسمہ تعالیٰ

شماره ۷۹-۲۳۹۹

تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۴

حجۃ الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطلحی

رییس دفتر محترم رییس جمهوری

عطف بہ نامہ شمارہ ۳۴۷۰۴ مورخ ۷۹/۸/۱۹ نامہ معاونت حقوقی و بین المللی وزارت امور خارجه و ترجمہ بیانیہ ارسالی دفتر کمیسر عالی حقوق بشر تحت عنوان: «چشم اندازی بہ قرن بیست و یکم» ملاحظہ شد، بہ نظر این جانب همان گونه کہ در اظہار نظر معاونت حقوقی وزارت امور خارجه نیز آمدہ است چون بیانیہ سند الزام آور حقوقی نیست و صرفاً اعلام مواضع انسانی در مورد مفہیم کلی و عام انسانی بہ خصوص بر رفع تبعیض نژادی است کہ از لحاظ مذہبی نیز اسلام پرچمدار مبارزہ با آن می باشد، امضای آن از سوی رییس جمہور محترم بی اشکال و بلکہ با توجہ بہ مواضع اتخاذی ایشان مناسب است.

حسین مہرپور

مشاور رییس جمہور و

رییس ہیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۴۰۹۹۲

تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲۷

جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای درایتی

مشاور محترم رییس جمهور در امور روحانیون

با سلام

نامه‌های شماره‌ی ۷۹-۲۳۹۹ مورخ ۷۹/۹/۱۴ و ۷۹/۵۸۲۱/ح م مورخ ۷۹/۸/۳۰ و

سوابق آن در خصوص بیانیه‌ی A Vision for 21st Century، به استحضار ریاست محترم

جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«علاقه‌مند بودم با دقت کافی همه‌ی بیانیه مورد موشکافی

قرار گیرد. به نظرم بعضی از موارد با موازین مورد قبول و مشهور

ناسازگار باشد. به هر حال باز هم بررسی شود که امضاء من

احتمالاً چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد و امضاء نکردن من چه

مشکلی دارد؟»

سید محمد علی ابطحی

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۲۴۴۶

تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی

رئیس دفتر محترم رئیس جمهوری

با سلام

عطف به نامه شماره ۴۰۹۹۲ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۷ منضم به پی نوشت ریاست محترم جمهوری در خصوص امضاء بیانیه کمیسر عالی حقوق بشر در زمینه رفع تبعیض نژادی و پیرو نامه شماره ۷۹-۲۳۹۹ مورخ ۷۹/۹/۱۴ به استحضار می‌رساند بار دیگر اعلامیه تهیه شده ارسالی از سوی وزارت امور خارجه مورد ملاحظه و مطالعه قرار گرفت و با عنایت به دقت مورد نظر ریاست محترم جمهوری و مواردی که در این پی نوشت اعلام فرمودند نکاتی را که به نظر می‌رسد ذیلاً متذکر می‌گردم:

۱- در خصوص این که امضاء نکردن اعلامیه چه مشکلی در پی دارد؟ به نظر می‌رسد، امضاء نکردن هیچ مشکلی را ایجاد نخواهد کرد، احتمالاً جمهوری اسلامی ایران و رئیس‌جمهوری آن از ذکر خیری که ممکن است از سوی دبیر کل کنفرانس از کشورهای امضاء کننده بنماید و تبلیغات مثبتی که احیاناً در این راستا به نفع امضاکنندگان صورت می‌گیرد، محروم خواهد بود.

در عین حال چون موضوع جنبه سیاسی دارد بهتر است وزارت امور خارجه در این زمینه نظر بدهد، ضمناً این مطلب هم خوب است از سوی وزارت امور خارجه روشن شود که آیا زمان امضاء هنوز باقی است یا ضرب‌الاجل آن تا پایان سال ۲۰۰۰ بوده است؟

۲- در این خصوص که امضاء بیانیه چه تبعات احتمالی خواهد داشت؟ به نظر می‌رسد، از لحاظ بین‌المللی همان‌گونه که قبلاً هم اعلام شد، امضای این بیانیه تعهد حقوقی ایجاد نمی‌کند، احتمالاً بار مثبت تبلیغاتی نیز برای ایران خواهد داشت که عزم

قوی بر رفع تبعیض نژادی و اعمال شبیه آن دارد، در عین حال این انتظار را ایجاد خواهد کرد که ایران در زمینه عملی ساختن مفاد اعلامیه و شرکت فعال و مثبت در تهیه بیانیه و برنامه عمل کنفرانس جهانی "Declaration and Plan of Action" اقدام مؤثر به عمل آورد. تبعاتی که از لحاظ داخلی ممکن است داشته باشد (اگر احیاناً بازتاب داخلی داشته و مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گیرد) بستگی به نوع برداشتی دارد که از عناوین کلی رفع تبعیض، تسامح و تساوی ممکن است به عمل آید که در قسمت بعدی به آن اشاره خواهم کرد.

۳- جهت‌گیری و سمت و سوی کلی اعلامیه و شعارهای مندرج در آن از قبیل تساوی، رفع تبعیض، تساهل و تسامح، تعامل فرهنگ‌ها و نژادها و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه مشابه جهت‌گیری‌هایی است که در بیانات مختلف ریاست محترم جمهوری و در برنامه اقتراح‌ی ایشان به نام گفتگوی تمدن‌ها آمده است و در اعلامیه هزاره امسال مجمع عمومی سازمان ملل متحد که به عنوان بیان دیدگاه‌های سران کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس هزاره و از جمله ریاست محترم جمهوری به تصویب مجمع عمومی رسید نیز مطرح شده است، از جمله در این اعلامیه از قول سران نقل شده است که ما برخی از ارزش‌ها را به عنوان ارزش‌های اساسی برای روابط بین‌المللی در قرن بیست و یکم به رسمیت می‌شناسیم که عبارتند از: آزادی، تساوی، همبستگی، تسامح و... و در مورد تساوی گفته شده است: «حقوق و فرصت‌های مساوی برای زنان و مردان باید تأمین شود».

در قطعنامه گفتگوی تمدن‌ها نیز که با تلاش و ابتکار جمهوری اسلامی ایران و در پی طرح ابداعی ریاست محترم جمهوری به صورت اجماع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید بر رعایت و حمایت همه جانبه حقوق بشر و تأکید بر تسامح (Tolerance) و ارتقاء حقوق زنان تأکید شده است.

۴- اگر بخواهیم راه احتیاط را در پیش گیریم، ممکن است گفته شود تکیه‌ای که در اعلامیه به طور مطلق بر تسامح و تساهل و مشارکت مساوی زنان و مردان شده است

می‌تواند با مواضع و موازین جاری اسلامی و حقوق موضوعه ما مغایرتی داشته باشد، این شبهه در هنگام تدوین پاسخ قبلی به ذهن این‌جانب آمد و خواستم متذکر این احتیاط بشوم ولی با توجه به جهاتی که در بند ۳ به آن اشاره شده و با عنایت به این‌که امضاء اعلامیه با این کلیات تعهدی ایجاد نمی‌کند متعرض آن نشدم. هم‌چنان‌که تصویب منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی با این‌که در آن‌ها به‌طور کلی بر تساوی و رفع تبعیض از هر نظر از جمله بر مبنای جنس و مذهب تأکید شده، مانع اعمال نظر دولت‌های اسلامی براساس موازین و احکام اسلامی در هنگام طرح و تصویب کنوانسیون‌ها و معاهده‌های خاصی مانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان یا قطعنامه‌های موردی که در سازمان ملل در این زمینه مطرح می‌شود نمی‌گردد.

به هر حال اگر قرار بر این باشد که احتیاط کامل رعایت شود و سندی هر چند به صورت اطلاعی و غیرالزام آور که شبهه مغایرت مفاد کلی آن با برخی موازین مشهور فقهی وجود دارد از امضاء رئیس‌جمهور نگذرد، طبعاً باید توجه داشت که در این اعلامیه عناوین مطلق: شرکت مساوی زنان و مردان، پیش‌بینی تصویب اعلامیه کنفرانس جهانی مبارزه با تبعیض نژادی با محتوای تضمین به رسمیت شناختن احترام کامل و مساوی برای همه انسان‌ها و رعایت کامل حقوق بشر برای همه آن‌ها ذکر شده است؛ اطلاق این عناوین با نظرات رایج فقهی که به مقررات متفاوتی در بعضی از زمینه‌ها در مورد زنان و غیر مسلمانان قائل است سازگاری ندارد.

مطلب دیگری که نیاز به دقت و موشکافی بیشتر داشته باشد در این بیانیه به‌نظر این‌جانب نمی‌رسد، نظر حقوقی همان است که قبلاً اعلام شد، خود کمیسر عالی حقوق بشر در نامه‌ای که خطاب به آقای رئیس‌جمهور و سایر سران در جهت درخواست امضاء بیانیه و پشتیبانی از آن نوشته است، اعلام کرده که این اعلامیه یک سند الزام‌آور نیست و در واقع بیان یک دیدگاه مشترک در مورد یک دنیای بدون نژادپرستی و تبعیض و دعوت دولت‌ها و جوامع در آغاز هزاره جدید به این سمت است که چگونه می‌توان در

دستیابی به این آرمان‌ها پیشرفت کرد.

حال تشخیص این‌که رعایت آن احتیاط و وسواس و امضاءنکردن به مصلحت نزدیکتر است یا امضاء کردن اعلامیه با ریاست محترم جمهوری است.

حسین مهرپرور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

درباره نامه مشترک گزارشگران ویژه

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۲۵۸۳

تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۸

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی

رئیس دفتر محترم رئیس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۵۴۲۴۴ مورخ ۷۹/۱۱/۴ منضم به پی‌نوشت ریاست محترم جمهوری در خصوص نامه مشترک آقای کاپیتورن و چند نفر دیگر از گزارشگران ویژه موضوعات مختلف حقوق بشری به استحضار می‌رساند که در گزارش با اشاره به حکم صادره مبنی بر محکومیت مریم ایوبی به سنگسار آن را مغایر ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۳۸ کمیسیون حقوق بشر دانسته و حکم بند ب ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی که مجازات زنای زن محصنه را رجم اعلام کرده موجب خدشه‌دار شدن حق حیات زن و نهادینه کردن خشونت علیه زنان و مبتنی بر نگرش پست‌تر بودن زن نسبت به مرد دانسته‌اند. در این رابطه نکاتی چند جهت استحضار ریاست محترم جمهوری اعلام می‌گردد:

۱- در خصوص اصل اعمال مجازات رجم برای زنای محصنه طبق قانون مجازات اسلامی ایران بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد اگر بند ب ماده ۸۳ مجازات زنای زن محصنه را، رجم اعلام کرده بند الف همان ماده همین مجازات را برای زنای مرد محصن مقرر کرده است.

۲- در خصوص ممنوعیت مجازات‌های بدنی مانند رجم و قطع دست و امثال آن که به حکم قانون موضوعه کشوری مقرر شده است، از دیدگاه اسناد بین‌المللی حقوق بشر به خصوص اعلامیه حقوق بشر (ماده ۵) و میثاق مدنی و سیاسی (ماده ۷)، مسأله جای بحث فراوان دارد که این جانب تا حدودی در این خصوص در کتاب نظام بین‌المللی حقوق

بشر بحث نمودم برای مزید اطلاع تصویر صفحات ۹۹ تا ۱۰۴ به پیوست ارسال می‌گردد.

۳- در ارتباط با همین موضوع رجم یک بار دیگر نیز در سال ۱۳۷۷ آقای رئیس‌جمهور دستور بررسی صادر فرمودند که این‌جانب موضوع را بررسی کردم و گزارشی چند صفحه‌ای همراه با پیشنهاد خدمتشان فرستادم. تصویر آن گزارش مجدداً جهت یادآوری ارسال می‌گردد اگر مفید می‌دانند مورد توجه قرار گیرد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

درباره محکومیت ایران در سازمان ملل به نقض حقوق بشر

بسمه تعالی

شماره ۸۰/۳۱۳۵

تاریخ ۱۳۸۰/۳/۲۱

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

انتخاب مجدد جناب عالی را به ریاست جمهوری اسلامی ایران، با رأی چشمگیر مردم شریف ایران که در نوع خود بی سابقه است تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم با صداقت و حسن نیت و خلوصی که همگان از شما سراغ دارند، این توفیق را پیدا کنید که به این اعتماد عظیم عمومی پاسخ شایسته بدهید و همان‌طور که در اهداف اعلام شده خودتان آمده است، در جهت تحقق حکومت مردمی دینی، تأمین رفاه و آسایش مردم، احترام به حیثیت و حقوق افراد، امنیت فردی و اجتماعی، اعتلای کشور جمهوری اسلامی ایران و اجرای صحیح اصول قانون اساسی، مدد الهی، همکاری و همدلی مسئولین و تداوم پشتیبانی مردم را داشته باشید و بتوانید این اهداف را تحقق بخشید.

جناب آقای رییس‌جمهور، وقتی حضور گسترده و بی نظیر مردم را از اقشار مختلف از زن و مرد و پیر و جوان در پای صندوق‌های رأی و تحمل انتظار چند ساعته در صف رأی‌گیری و انتخاب آزادانه و آگاهانه آنان را دیدم دریغم آمد از یادآوری مطلبی که بارها شفاهاً و کتباً خدمتتان معروض داشتم، در این دور جدید تحمل این مسئولیت بزرگ خودداری کنم. و آن مسأله محکومیت دولت جمهوری اسلامی ایران به نقض حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تحت نظارت بودن وضعیت حقوق بشر ایران از سوی کمیسیون حقوق بشر است. به نظر می‌رسد، این ملت بزرگ و سرافراز و آزاده و آگاه و دولت منصوب و منتخب این ملت، سزاوار گرفتن قطعنامه حاکی از نقض وسیع حقوق بشر از سوی سازمان ملل نیست. ناخودآگاه به یاد جمله‌ای افتادم که در تاریخ

۱۳۷۸/۲/۸ پس از بازگشت از شرکت در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل طی گزارشی خدمتتان نوشتم به این عبارت «... فکر می‌کنم، غیرت و حمیت اسلامی و ایرانی ما نمی‌تواند قرار گرفتن ایران را در کنار کشورهای چون افغانستان، روآندا، میان مار، گینه استوایی و امثال آن‌ها به‌عنوان ناقض حقوق بشر برتابد و صرف سیاسی خواندن موضوع، نیز تکلیف را ساقط نمی‌کند».

هم‌چنین وقتی این عظمت و غرور آفرینی‌ها را دیدم به یاد عبارتی افتادم که ۸ سال پیش در مرداد ماه سال ۱۳۷۲ یکی از اعضا کمیته حقوق بشر که اهل اکوادور بود در آخرین جلسه بررسی گزارش ایران در مورد میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی خطاب به هیأت ایرانی که این‌جانب سرپرستی آن را به‌عهده داشتم ابراز کرد و من هیچ‌گاه فراموش نمی‌کنم وی گفت: «... ایران کشوری بزرگ و دارای تمدنی قدیم و معتبر است و ما که فاصله بسیار زیادی با شما داریم در کتابهای درسی دبستانی می‌خواندیم که ایران مرکز تمدن بوده است. دین اسلام نیز دین بزرگ و قابل احترامی است و حیفاً است نام کشور شما با چنین خصوصیتی به‌عنوان کشور ناقض حقوق بشر شناخته شود، برای تغییر این وضع همتی نمایید».

امسال، به ابتکار رییس‌جمهور اسلامی ایران، از سوی سازمان ملل متحد، سال بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها اعلام شده است و مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس آینده خود طبعاً بحث ویژه‌ای را به این موضوع اختصاص خواهد داد که به‌طور طبیعی نام ایران اسلامی محور بحث‌ها و گفتگوها قرار می‌گیرد و بسیار ناخوشایند است که همین مجمع عمومی باز قطعنامه‌ای در خصوص نقض حقوق بشر در ایران تصویب نماید. به گفته آن عضو اکوادوری کمیته حقوق بشر باید همتی کرد و این وضعیت را تغییر داد و این انتظار از جناب‌عالی به‌عنوان کم‌نظیر و شاید بی‌نظیرترین رییس‌جمهوری که بزرگترین پشتوانه رأی و ابراز اعتماد ملت را با خود دارد می‌رود که تمام توان خود را در جهت اعتلای ایران اسلامی به کار بندد و از زمینه مساعدی که فراهم آمده در این راه حسن استفاده را بنماید و از جمله به‌طور جدی از دستگاه‌های اجرایی، امنیتی و قضایی بخواهد که حقوق شناخته شده مردم در قانون اساسی را

رعایت کنند، در تعقیب و دستگیری و صدور قرار تأمین و بازداشت و محاکمه افراد واقعاً مقررات قانونی را اعمال نمایند و به حقوق و حیثیت مردم احترام بگذارند باور کنید با همه غرض ورزی‌ها و سیاسی‌کاری‌ها و اختلافات مبنایی که وجود دارد اگر در برخورد با مردم و حقوق و آزادی‌های آن‌ها طبق اصول قانون اساسی به دور از کج سلیقه‌ها و توجیهات غیرقابل قبول عمل شود، احتمال تصویب قطعنامه علیه ایران بسیار کاهش می‌یابد، بسیار ناپسند و ناگوار است که هم در گزارش نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر و هم در اظهارات نمایندگان برخی از دولت‌ها در سازمان ملل بیش از آن که حکومت ایران به نقض موازین حقوق بشر متهم شود، به عدم رعایت اصول قانون اساسی و قواعد دادرسی داخلی خود متهم می‌گردد، این جانب طی مدت ده سالی که با مسایل و مباحث حقوق بشری سروکار داشتم، مقالات متعددی منتشر کردم گزارش‌های مختلفی از اجلاس‌های حقوق بشر ارائه دادم و سه جلد کتاب در این زمینه‌ها به چاپ رساندم و همواره نظریات و پیشنهادات خیرخواهانه‌ای ارائه دادم و اگر موجب مزاحمت و ملال خاطر جناب عالی نمی‌بود فرازهایی از آن‌ها را که در مقالات و گزارش‌های سال ۱۳۷۲ نوشته‌ام (که البته در کتاب: حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران درج شده است) حضورتان می‌فرستادم و ملاحظه می‌فرمودید که پس از گذشت بیش از ۷ سال ناگزیر شدم در گزارشی که در پایان سال ۱۳۷۹ طی مقاله‌ای تحت عنوان: اجلاس هزاره مجمع عمومی و وضعیت حقوق بشر در ایران نگاشتم به نوعی همان درخواست‌ها و پیشنهادات را مطرح نمایم ولی متأسفانه این اظهارات مشفقانه و دلسوزانه مورد توجه قرار نگرفت بلکه همواره در هنگام مطرح بودن بحث حقوق بشر در کمیته سوم مجمع عمومی و یا در کمیسیون حقوق بشر وقایعی رخ داده که موجب شده دولت‌هایی هم که می‌خواستند در رویه خود تجدید نظر کنند و رأی خویش را به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر دهند دچار تردید کرده است. حتماً به استحضارتان رسیده است که در همین سال جاری نمایندگان برخی از دولت‌ها که قول داده بودند رأی ممتنع خود به قطعنامه را به رأی منفی تبدیل کنند پس از انعکاس بعضی از اقدامات که توجیه قانونی آن برای کسی مقبول نبود، عذرخواهی کردند و به

رأی سابق خویش بازگشتند اگر می‌شد خود را قانع کرد که صدور و تصویب قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ایران صرفاً ناشی از خوی استکباری و غرض‌ورزی سیاسی تعدادی از کشورهای غربی نباشد و در سازمان ملل است. جمهوری اسلامی ایران با افتخار، با چنین قطعنامه‌ای مواجه می‌شد و وجدان مسئولین و مدافعین نظام راحت بود ولی امروزه ضمن این‌که اجمالاً، اعمال غرض و سیاسی کاری در این زمینه را نمی‌توان منکر شد ولی نمی‌شود صرفاً این امر را عامل صدور قطعنامه دانست و خود را راحت و تکلیف را ساقط شده دانست، مطمئناً در فضای کنونی بین‌المللی و با ملاحظه آراء سال جاری کمیسیون حقوق بشر به قطعنامه (۲۲ رأی مثبت و ۲۰ رأی منفی) دولت‌های زیادی مایلند، بهانه و دستاویز بی‌نی نباشد تا رأی منفی به قطعنامه بدهند ولی با کمال تأسف همواره بهانه و دستاویزی، فراهم شده است.

به هر صورت به نظر می‌رسد ابراز اعتماد بی‌نظیر ملت به شخص جناب‌عالی به‌عنوان رئیس‌جمهور آن هم در دوره دوم ریاست جمهوری این انتظار را ایجاد می‌کند که در راستای سربلندی ایران اسلامی، از یک سو دستور فرمایید دیپلماسی فعالی برای از میان برداشتن صدور قطعنامه به کار افتد، چه اشکالی دارد درخواست نماینده‌ی ویژه کمیسیون حقوق بشر برای دیدار از ایران پذیرفته شود تا از نزدیک شاهد تحقق بهترین دموکراسی و حکومت متکی بر آراء مردم باشد و آن را در گزارش خود منعکس نماید و نیز اصلاحاتی را که گفته می‌شود در قوه قضاییه در حال انجام است و تأکیدی که بر حکومت قانون و استقلال قاضی می‌شود مشاهده کند و آن را در گزارش خود بیاورد تا زمینه صدور قطعنامه منتفی گردد.

از سوی دیگر انتظار می‌رود به دستگاه اجرایی و مخصوصاً دستگاه انتظامی و امنیتی و نهادهایی چون شهرداری‌ها که در حوزه قوه مجریه هستند دستور فرمایید در برخورد با مردم، حیثیت و کرامت و احترام ذاتی انسانی و حقوق شناخته شده آنان در قانون اساسی را واقعاً رعایت نمایند و نظارت لازم و مستمر و مؤثر بدون این‌که صرفاً جنبه گذرا و تبلیغاتی داشته باشد بر این امر به عمل آید مخصوصاً رعایت این امر در حوزه‌هایی چون گزینش، تعزیرات حکومتی، شهرداری‌ها، اداره اماکن و نیز در

تصمیمات متخذه از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی بسیار ضروری به نظر می‌رسد. هم‌چنین پشتوانه عظیم و معنی‌دار آرای اکثریت قاطع مردم این انتظار را ایجاد می‌کند که به‌عنوان بالاترین مقام رسمی کشور بعد از مقام رهبری در جلسات هماهنگی که با سران قوا دارید مصراً بخواهید که خط مشی و روند کلی عملکرد دستگاه قضایی در چارچوب اصول قانون اساسی و رعایت حقوق و حیثیت مردم حرکت کند و دستگیری‌ها، بازداشت‌ها و احکام با مراعات موازین قانونی و قابل دفاع باشد. حکومت قانون و استقلال قضایی که امروزه مرکز ثقل و محور عمده مسایل حقوق بشری است، به معنای درست و واقعی آن اعمال شود، برای یک نظام حکومتی، امر نامطلوب و ناخوشایندی است که مردم از قوه قضاییه به قوه مجریه تظلم کنند و مدعی تضییع حقوق انسانی خود از سوی دستگاه قضایی گردند و وقتی رییس‌جمهور یا هیأت منصوب از سوی او به حکم مسؤولیت اجرای قانون اساسی که طبق اصل ۱۱۳ به‌عهده‌اش گذاشته شده و به استناد قانون مصوب مجلس شورای اسلامی که اختیار و وظیفه بازرسی، پیگیری، نظارت و اخذ توضیح را داراست، در مقام استفسار موضوع برمی‌آید، پاسخ داده می‌شود که این امر دخالت قوه مجریه در قوه قضاییه است در حالی که قوه قضاییه مستقل است و خود وظیفه احقاق حق و نظارت بر حسن اجرای قانون را برعهده دارد و کسب اطلاع و پیگیری در این زمینه‌ها ارتباطی با رییس‌جمهور ندارد و متأسفانه عملکرد به‌گونه‌ای است که توجیه قابل قبولی نه در افکار عمومی داخل و نه در بازتاب خارجی آن ندارد. امید و انتظار است که با حسن نیت و صداقت و نزاکتی که خاص جناب عالی است همراه با انتظارات مشروع فراوانی که خیل عظیم رأی دهندگان از شما دارند بتوانید نظر مقامات قضایی را به توجه بیشتر به مسایل جلب نمایید و با هماهنگی مشکلات را حل بفرمایید.

تصویری از آخرین مقاله‌ای که در زمینه حقوق بشر پس از اجلاس هزاره مجمع عمومی سازمان ملل نوشته‌ام و در زمستان سال ۱۳۷۹ در مجله راهبرد منتشر شده حضورتان ارسال می‌دارم که اگر زمانی فرصت فرمودید ملاحظه نمایید ولی امیدوارم نگاهی به صفحه آخر آن که تحت عنوان بند ۶ از تأمل بر قطعنامه مجمع عمومی آمده

است و علامت زده‌ام مطالعه فرموده و تصمیم لازم را اتخاذ فرمایید از اطاله کلام پوزش
می‌طلبم.

بار دیگر موفقیتتان را تبریک می‌گویم و توفیق شما را برای خدمت به این ملت شریف
و بزرگوار و آگاه از خداوند مقلب القلوب خواهانم.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۲۰۴۷

تاریخ ۱۳۸۰/۳/۳۰

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دیر محترم شورای عالی امنیت ملی

با سلام

گزارش شماره ۸۰-۲۱۲۵ مورخ ۸۰/۳/۲۱ مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمیمه‌ی آن در خصوص محکومیت مجدد ایران به نقض حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد (تصاویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«به نام خدا»

جناب آقای دکتر روحانی

نامه‌ی دردمندانه و خیرخواهانه‌ی جناب آقای دکتر مهرپور در خور توجه است. دفاع از نظام و پاسداری از حرمت و عظمت ملت شریف ایران وظیفه‌ی بزرگ ماست. در برابر هرگونه ضربه‌ای و وهنی نسبت به این کشور و مردم باید ایستاد. آنچه در عرصه بین‌المللی جاری است، بسیار تأسف آور است. درست است که دشمنان و بدخواهان با بهانه یا بی‌بهانه در صدد ضربه زدن به منافع انقلاب و کشور و ملت و ایجاد فشار به آن هستند ولی آیا آنچه در درون ما می‌گذرد دارای نارسایی و ناروایی نیست. مهمترین شعار بنده قانونگرایی و تثبیت نظام بر پایه قانون اساسی بوده است. با کمال تأسف قانون اساسی مورد اهتمام خیلی از دستگاه‌ها نیست. رییس جمهور هم که مجری قانون اساسی است امکانات و اختیارات لازم را ندارد از امکان مختصری که دارد (اعلام موارد نقض) هم به خاطر رعایت

مصالح بزرگتر استفاده نکرده است. نمی‌خواهیم مسأله را به تنش برسانیم ولی چه باید کرد؟ بسیاری از اموری که جاری است و بهانه‌ی محکومیت ما می‌شود به حق اشکالات اساسی دارد. به‌نظرم می‌آید به‌عنوان گام آخر لازم است جناب عالی با مسؤولیت کامل و بدون ملاحظات در دبیرخانه جلسه‌ای با حضور وزیران محترم امور خارجه و اطلاعات (و کارشناسان مجرب آنان) و نیز حقوق‌دانانی وارد و خیرخواه نظیر جناب آقای دکتر مهرپور، جناب آقای دکتر محقق داماد و جناب آقای دکتر میرمحمد صادقی (و نیز هر کسی دیگر که جناب آقای شاهرودی تعیین کنند) هم‌چنین یکی دو نفر از نمایندگان وارد مجلس تشکیل دهید و فارغ از همه‌ی انگیزه‌ها و گرایش‌های سیاسی کار کارشناسی کنید و بعد ببینم در شورای عالی امنیت ملی یا احیاناً در جلسه سران قوا مطرح کنیم تا ان‌شاءالله به نتیجه برسیم. به‌نظر من خارج کردن ایران از شمول محکومیت حقوق بشری کار دشواری نیست. ما در داخل اگر عهد کنیم که صرفاً در چارچوب قانون اساسی خودمان حرکت کنیم و در بیرون هم دیپلماسی فعالی داشته باشیم (که در این سال‌ها داشته‌ایم) رسیدن به این هدف که خیر انقلاب و ملت در آن است کار دشواری نیست. انتظار دارم با همت و درایت این کار را انجام دهید و مرا در این باب یاری کنید. هیچ سروصدا هم لازم نیست، رسیدن به نتیجه منطقی و مشروع برای ما مهم است».

سیدمحمدعلی ابطحی

گیرندگان:

- حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای یونسی

وزیر محترم اطلاعات، همراه با تصویر

- جناب آقای دکتر خرازی
- وزیر محترم امور خارجه، همراه با تصویر
- جناب آقای دکتر مهرپور
- مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، همراه با تصویر
- جناب آقای دکتر میرمحمد صادقی
- سخنگوی محترم قوه قضائیه، همراه با تصویر
- جناب آقای شیوج
- رئیس محترم نهاد قوه قضائیه، همراه با تصویر
- حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محقق داماد، همراه با تصویر

پیشنهاد تشکیل انجمن دفاع از قربانیان قصاص

بسمه تعالی

شماره ۱۴۳۰۷

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۴

حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی

دیر محترم شورای عالی امنیت ملی

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

رونوشت نامه شماره ۱/۲۰۷۰-۳۳۱ مورخ ۸۰/۳/۳۱ نمایندگی دایم جمهوری اسلامی ایران نزد دفتر ملل متحد - ژنو در خصوص پیشنهاد تشکیل انجمن حمایت از قربانیان قصاص (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر روحانی

جناب آقای دکتر مهرپور

جهت ملاحظه و پیگیری مقتضی».

سید محمدعلی ابطحی

بسمه تعالی

حضرت آیه‌الله هاشمی شاهرودی

مقام محترم ریاست قوه قضاییه

سلام علیکم،

پیرو مذاکره حضوری با حضرت عالی در مورد چگونگی اجرای حدود و قصاص در جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تفهیم بین‌المللی آن (جلوگیری از انعکاس هرگونه آثار منفی) به استحضار می‌رساند: جامعه بین‌المللی آشنایی بسیار ناچیزی درباره‌ی قصاص دارد و نمی‌داند این امر در زمره‌ی اختیارات اولیای دم بوده و حکومت مدعی آن نمی‌باشد. به‌ویژه این‌که اغلب به اصطلاح تنبیهات شکنجه‌آور در دیدگاه بین‌المللی نظیر چشم درآوردن در چارچوب قصاص قرار می‌گیرند.

پیشنهاد می‌شود توصیه فرمایند انجمنی به‌صورت یک سازمان غیردولتی و مثلاً تحت عنوان «انجمن حمایت از قربانیان قصاص» تشکیل یافته و هدف آن میانجیگری بین اولیای دم و قربانیان قصاص باشد. فواید چنین انجمنی که در سازمان ملل متحد به‌عنوان سازمان غیردولتی به ثبت می‌رسد به شرح ذیل خواهد بود:

۱- اعلام موجودیت چنین انجمنی یک اقدام حقوق بشری از سوی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌گردد که با استقبال جامعه بین‌المللی و گزارشگران حقوق بشری روبه‌رو خواهد شد.

۲- این انجمن می‌تواند به‌طور مستقل تمام تلاش خود را به کار گیرد تا موارد انجام قصاص را حتی‌الامکان کاهش دهد. آثار مثبتی که در جامعه بین‌المللی از بخشش اولیای دم نسبت به اعدام امینی مقدم در سال گذشته به‌وجود آمد می‌تواند الگو قرار گیرد.

۳- حضور و فعالیت این انجمن در کمیسیون حقوق بشر و ارابه گزارشات مستقل می‌تواند بخشی از بار سنگین انتظارات جهانی از قوه‌ی قضاییه را برطرف سازد.

۴- یک چنین سازمان غیردولتی می‌تواند در سطح جهان با سایر سازمان‌های غیردولتی در تماس بوده به تبادل اطلاعات پرداخته و هدف از قصاص را تشریح نماید.

سفیر و نماینده‌ی دائم

بسمه تعالی

شماره ۸۰/۳۱۶۶

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۱۰

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به پی‌نوشت نامه شماره ۱۴۲۰۷ مورخ ۸۰/۴/۴ در خصوص پیشنهاد نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در ژنو مبنی بر تشکیل: «انجمن حمایت از قربانیان قصاص» به منظور میانجیگری بین اولیای دم و قربانیان قصاص و در نتیجه جلوگیری از اجرای قصاص و ممانعت از بازتاب‌های منفی بین‌المللی آن، به نظر این جانب عنوان این انجمن و نیز تشکیل آن به نام سازمان غیردولتی و با توصیه دولت یا قوه قضاییه امر مناسبی نیست و نتیجه مورد نظر را نخواهد داد؛ عنوان: «انجمن حمایت از قربانیان قصاص» نظیر عناوین: انجمن حمایت از قربانیان خشونت، قربانیان شکنجه و امثال آن‌هاست ولی با این تفاوت که خشونت و شکنجه مذموم و ممنوع و طبق موازین بین‌المللی و نیز قانون اساسی و قوانین موضوعه ما نیز غیر مجاز شمرده شده و منطقی است که افرادی که تحت شکنجه قرار گرفته‌اند را قربانی نامید و از آن‌ها حمایت کرد. ولی قصاص یک امر قانونی و شرعی است که در نص قرآنی ذکر شده است: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل... و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب...» (سوره بقره آیات ۱۷۸ و ۱۷۹) چگونه می‌توان کسی را که مثلاً مرتکب قتل عمد شده است و جرم او پس از بررسی در دادگاه ثابت می‌شود و به حکم قانون به قصاص محکوم می‌شود قربانی قصاص نامید و انجمنی برای حمایت از او تشکیل داد. گمان نمی‌کنم اعلام موجودیت چنین انجمنی آن هم به وسیله یا با توصیه حکومت از لحاظ جامعه بین‌المللی نیز مفید باشد ضمن آن‌که ممکن است از دیدگاه کشورهای اسلامی بازتاب منفی نیز داشته باشد.

بنده فکر می‌کنم مشکلی که در رابطه با حکم قصاص و اجرای آن و بازتاب‌های

بین‌المللی آن داریم به سه امر برمی‌گردد:

۱- اصل حکم اعدام، حال، چه در مورد قصاص یا در ارتباط با موارد دیگر، چنان که می‌دانید امروزه در سطح بین‌المللی گروهی شدیداً طرفدار لغو مجازات اعدام هستند و دولت‌ها را تشویق می‌کنند که مجازات مرگ را از قوانین خود حذف نمایند. در این زمینه دومین پروتکل اختیاری میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۸۹ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد که به موجب آن دولت‌های عضو آن پروتکل مکلفند در قلمرو خود مجازات اعدام را اجرا ننمایند و قوانین ناظر به مجازات اعدام را لغو کنند.

تا سال ۱۹۹۷ که آمار آن را این‌جانب در اختیار دارم ۳۱ کشور به این پروتکل پیوستند شاید چند کشوری هم در سال‌های اخیر پیوسته باشند ولی به هر حال تعداد زیادی از کشورها هنوز مجازات اعدام را در قوانین خود دارند و به این پروتکل نپیوستند که جمهوری اسلامی ایران نیز در زمره آن‌هاست.

۲- خصوصی بودن جرم قتل عمد، در قانون مجازات ما به تبعیت از برداشتی که در فقه وجود دارد جرم قتل عمد جنبه خصوصی دارد و توجه چندانی به جنبه عمومی آن نشده است و لذا به شاکی یا ولی دم از همان ابتدا، عنوان مدعی داده شده که باید ادعای خود را ثابت نماید و زمام امور هم در دست اوست یعنی اگر توانست قتل عمد را ثابت کند می‌تواند مقابله به مثل را بخواهد و قصاص کند و می‌تواند به جای قصاص به گرفتن دیه رضایت دهد و می‌تواند به کلی قاتل را عفو کند. با این دیدگاه علی‌القاعده بدون خواست شاکی که در واقع ولایت و اختیار به دست او داده شده و با عنوان ولی دم از او یاد می‌شود، دادگاه نمی‌تواند جانی را تعقیب و مجازات کند و با درخواست قصاص از جانب او (طبعاً در صورت اثبات) دادگاه نمی‌تواند تبدیل و تخفیفی در مجازات بدهد. پس از گذشت نزدیک ده سال از قانون مربوط به حدود و قصاص و دیات و تجربه پیامدهای ناگواری که مطلق بودن جنبه خصوصی قتل داشته در سال ۱۳۷۰ قانون‌گذار توانست در یک جهت، جای پایی برای اعمال نظر دادگاه و جنبه عمومی جرم قائل شود و آن این‌که اگر قتل عمدی واقع شد و شاکی وجود نداشت یا از شکایت صرف‌نظر کرد به دادگاه

اختیار داده شد که با ملاحظه جنبه عمومی جرم و مسأله اخلاق در نظم جامعه و بیم تجری، قاتل را به حبس از ۲ تا ده سال محکوم نماید (ماده ۲۰۸ قانون مجازات اسلامی). ولی در جهت دیگر قضیه یعنی آنجا که مدعی یا ولی دم خواهان قصاص است دادگاه اقدامی در جهت تخفیف مجازات نمی‌تواند بنماید و جهات و کیفیات مخففه از جمله اوضاع و احوال و اعمال خود مقتول که ممکن است مؤثر در ارتکاب جرم باشد مجوز اقدام دادگاه در تبدیل اعدام به مجازات دیگر نمی‌شود و ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی تأثیر جهات مخففه را فقط ناظر به مجازات‌های تعزیری می‌داند (نه حدود و قصاص) این‌ها مسایلی است که به‌طور جد باید مورد توجه مجلس و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت واقع شود و با برداشت روشن‌بینانه از حکمت احکام شرعی و در نظر گرفتن واقعیت‌ها قوانین اصلاح شود.

۳- مسأله بحث‌انگیز دیگر که در قانون مجازات ما وجود دارد قصاص عضو است، در این مورد با عنایت به مطلق بودن جنبه خصوصی جرایم موجب قصاص به فردی که با جنایت عمدی کسی عضوی را از دست داده، یا ناقص شده است می‌تواند (پس از اثبات) همان کار را بکند و به همان اندازه و در همان کیفیت عضو جانی را قطع یا ناقص کند. اعمال این نوع مجازات به لحاظ خشونت‌ی که طبعاً در اجرای آن وجود دارد امروزه مورد انتقاد شدید مجامع بین‌المللی و مراجع حقوق بشری است ولی راه حل قضیه در تشکیل انجمن حمایت از قربانیان قصاص نیست. باید مراجع فقهی و قانون‌گذاری با نگرشی جدید به مقررات جزایی فقهی راه حل متناسبی ارائه دهند. وقتی مقامات ذی صلاح فقهی و قانونی یا نمی‌خواهند یا نمی‌توانند توجیه قابل قبولی برای این نوع مجازات‌های بدنی شدید متکی بر صرف اراده شاکی خصوصی ارائه دهند و شهادت اجتهاد و استنباط جدید ندارند و از سوی دیگر برخی از مقامات علی‌رغم پافشاری که بر اجرای ظاهری این احکام به‌عنوان احکام قطعی لایتنغیر الهی در داخل دارند در مواجهه با منتقدان خارجی در خارج از کشور، کوتاه می‌آیند و انفعالی برخورد می‌کنند راه برای ابراز چنین پیشنهادهایی باز می‌شود.

لابد در پی تشکیل چنین انجمنی، باید «انجمن حمایت از قربانیان حدود» هم تشکیل